

بیانیه اعلیحضرت بمناسبت

فاجعه ۲۲ بهمن

امیرفیض- حقوقدان

همانطور که انتظار میرفت اعلیحضرت برسم سالهای قبل بمناسبت فاجعه ۲۲ بهمن بیانیه ای خطاب به ایرانیان تحت عنوان رئیس شورای ملی ایراد فرموده اند.

پیام مزبور باپیامهای سالهای قبل در رابطه با فاجعه ۲۲ بهمن تفاوت قابل توجهی از نظر موضوعی ندارد تنها مشخص است که تهیه کننده آن کسان دیگری هستند. آنچه تقریباً در تمامی بیانیه های ۲۲ بهمن اعلیحضرت متداول و مشهود است؛ دو چیز است؛ یکی اشاره به اعمال پلید و اقدامات مخرب جمهوری اسلامی و دیگری که بسیار مهم میباشد وعده >دوران حکومت توتالیتراجمهوری اسلامی با اراده ملت ایران به پایان خواهد رسید< است و برای اینکه به این وعده و مقوله، رنگ ظاهرپسندی داده شود همواره تحولات کشورهای دیگرمانند آفریقای جنوبی و مجارستان و اوکراین و شیلی شاهد قضیه قرار گرفته است. چیز سومی هم هست و آن شرط حمایت خارجی از مبارزات ملت ایران است که خوشبختانه این شرط سومی آزار دهنده در پیام اخیرشان نیست (دلخوشی موقتی).

البته شاهد قراردادان کشورهای خارجی با فرهنگ خاص خودشان که معمول وزینت بخش غالب ازبیانیه های اعلیحضرت میباشد، پایگاه اتکاء بنفس اعلیحضرت بشمار میرود و درموارد مشابه باذکر دلیل ونمونه و سیاق افتراق عملی فرهنگ ها ابطال عمومیت دادن به فرضیه ایشان بیان شده است، ولی معهذاً به عبارت ضرب المثل حرف مرد یکی است ایشان ایدا درموقعیت تقاعد فکری وتجديد نظر آن، عادت به قبول ندارند و درحقیقت جریان آزادی ایران به فرهنگ آفریقای جنوبی وکشورهای دیگر قفل شده است.

موضوع مشروعیت جمهوری اسلامی

تنها تازه ای که دربیانیه حاضر میتوان ملاحظه کرد این است که دربیانیه آمده است: >برهمگان روشن است که نظام جمهوری اسلامی نزد مردم از مقبولیت و مشروعیت برخوردار نیست<.

برداشت از بیان اعلیحضرت رساگر این مقصود است که جمهوری اسلامی درگذشته مقبولیت داشته و امروز فاقد آن است.

پرانترز

شاید این تحریر شایسته این پرانترز باشد که بیانات اعلیحضرت نشان نمیدهد که از نظراعتقادی در کجا قرار دارند. در مجموع لطیفه >ای من کجایم، ای من چکار میکنم< وصف الحال اعلیحضرت و مبارزه ماست برای نمونه.

اعلیحضرت در مصاحبه با قائم مقامی که مسئله حمایت اعلیحضرت از اکبرگنجی مورد اعتراض سلطنت طلبان قرار گرفته بود میفرمایند <این را میگویم برای کسانی که تاکنون نفهمیده اند، بفهمند که برای چه داریم مبارزه میکنیم. من در این حرکت حاضرم جانم را بدهم که از حق کسانی دفاع کنم که شاید بخواهند علیه من مبارزه کنند و از آزادی بیانشان و حق اندیشه هایشان دفاع کنم من چنین مملکتی را در آینده میخواهم؛ ما باید واقعا کاهی برای تمام مردم ایران که همگی در آن جا داشته باشند بسازیم که صرفنظر از عقاید و سلیقه و ایدئولوژی های آنها بهمدیگر این تضمین را بدهیم که در داشتن عقاید مختلف از یکدیگر دفاع خواهیم کرد. پس اصلا فایده کار امروز ما چیست>

تعارفات مجازی اعلیحضرت نشان میدهد که ایشان نه جمهوری اسلامی و نه مردم و نه فرهنگ ایرانی را نمیشناسند و بجای تطبیق مبارزه با اوضاع و احوال و شرائط و خصوصیات ملی از اوها م تبعیت و با باد اوها م هم تغییر موضع میدهند.

براحتی قابل رویت و دریافت است که در طول ۳۵ سال گذشته هیچ زمانی جمهوری اسلامی به قدرتمندی امروز هیچ زمانی اپوزیسیون اصلی جمهوری اسلامی به وضع اسفناک امروزی نبوده است، همین اعلام مصرانه آقای امید مهر که ۵۸۴ تن مامور در دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی دارد نمونه کامل از هرج و مرج و حاکمیت نفهمی و نادانی در اپوزیسیون ادعای جمهوری اسلامی یعنی شورای تجزیه طلبان است.

نگاهی به سیر آشفتهگی فکری و اعتقادی اعلیحضرت

در سالهای نخست، اعلیحضرت قاطعانه درسکوی عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و حقانیت تداوم مشروعیت قانون اساسی مشروطیت قرار داشتند و حتی با این توضیح ما را آشنا فرمودند <**آنانکه قانون اساسی مشروطیت را پاره کردند موجودیت ایران را پاره کردند**>.

ولی این پایگاه اعتقادی ایشان به اعتباراتی دوام نیافت. در میثاق تحریر خودشان بنام میثاق بامردم شورش ۵۷ را انقلابی آزادیخواهانه و اصیل دانستند و بعدها این امتیاز را هم مرحمت کردند که هرکس نسبت به اصالت انقلاب! شک کند از درک کافی محروم است.

این پیشروی به عقب، همچنان ادامه یافت تا در تاریخ ۱۳ ماه می ۲۰۱۳ نامه ای از سوی شورای تجزیه طلبان که ابواب جمعی ایشان بود با عنوان «جناب آیت الله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی» نوشته شد که بیعت تمام عیار باشخص خامنه ای و همچنین مقام و موقعیت رهبری و نظام جمهوری اسلامی است.

فراموش نشود که هر <ع ملی که موجب و موجد احترام و قائل بودن به مشروعیت مقام و موقعیت کسی باشد بیعت محسوب است> حتی خطاب کردن با عناوین محترمانه مقامی

و عناوین نسبی به حاکم ورهبر به معنای بیعت است ناصر خسرو بیٹی دارد که نشانیگراهمیت خطاب طرف در عقد بیعت است.

آن سید سرور که ترا خواند برادر بیعت بتو کرده است و نکرده به دگر کس

با این کارنامه مشحون از کم لطفی به مسئله مهم مشروعیت جمهوری اسلامی چطور بیانیه حاضر باز بسراغ مشروعیت جمهوری اسلامی رفته و یادش آمده که جمهوری اسلامی بتازگی مشروعیت ندارد.

قدری درباره مشروعیت

توضیح اینکه؛ منطق مبارزه، با مشروعیت مبارزه رابطه ناگسستگی دارد. منطق مبارزه یعنی بیان دلیل حقانیت مبارزه ما با جمهوری اسلامی. اگر دلیل و منطق مبارزه با جمهوری اسلامی قانونی و یا دینی و یا تاریخی و فرهنگی باشد منطق مبارزه سبب میگردد که مبارزه به هیئت مشروعیت آراسته شود.

منطق مبارزه ما با جمهوری اسلامی در دو حالت توام با مشروعیت میگردد:

نخست اینکه حکومت به قانون اساسی کشوری اعتناء باشد و اقدامات حکومت منطبق با قانون اساسی نباشد بنابراین، گرانی - توقیف جراید - دزدی زمامداران - فقر - بیکاری - اعتیاد و همه چیزهایی که در بیانیه اعلیحضرت آمده اگر در چارچوب قانون اساسی و دولت برخاسته از قانون اساسی جمهوری اسلامی استوار باشد مبارزه با آن حکومت در شکل قانونی و واجد مشروعیت نخواهد بود، بلکه به حکومت اجازه قانونی میدهد که مخالفان حکومت را متهم به مخالفت با قانون اساسی بنماید.

حالت دوم

حالت دوم که مبتلا به ما و کشور ماست این است که اساسا حکومت قدرت نامشروع باشد. قدرت نامشروع یعنی حکومت بوسیله افرادی که علیه قانون اساسی کشور برخاسته اند و از طریق تهدید و یا کودتا و یا حمایت خارجیان و فریب مردم و تعبدات مذهبی و مسانلی از آن دست که در شورش ۵۷ ناظر آن بودیم حاکمیت قانونی مردم را مصادره و قدرت را قبضه کرده باشند؛ دقیقا مانند نظام جمهوری اسلامی که علیرغم مخالفت اسلام و تشیع و حمایت همه جانبه بیگانگان در حالت زور و تهدید و قتل و غارت و نادیده گرفتن هویت اقرانی ملت ایران و باورهای مذهبی نظام جمهوری خلاف اسلام را بر ملت ما تحمیل کرده است.

هر موجودی هنگامی حقیقی شناخته میشود که از طریق مشروع بوجود آمده باشد در غیر این صورت واجد مشروعیت نیست و گرچه شکل موجودیت دارد ولی وجودی مجازی است (نمونه فرزند متولد از زنا).

جمهوری اسلامی به استناد همه پرسسی ساختگی سال ۵۸ بوجود آمده ولی وجودش مجازی و فاقد مشروعیت و اصلت است زیرا همه پرسسی برخلاف قانون اساسی مشروطیت، و برخلاف جواز قرآن و سنت محمد و آداب و رسوم حکومتی ایران بوده و نمیتواند ذره ای از بار مشروعیت را متحمل بشود.

بقول فقهای اسلامی <مقدمه نامشروع سبب نتیجه نامشروع میگردد> درتطبيق مورد عدم مشروعیت شورش ۵۷ به علل ذکرشده وهمه پرسى آن به علت مخالفت با اسلام و شرط ابدیت سلطنت در قانون اساسی مشروطه جمهوری اسلامی فاقد مشروعیت است.

این توضیح بجاست که درحقوق اروپائی مشروعیت بازمان حرکت میکند ولی درحقوق اسلامی و فرهنگ ایرانیان مشروعیت ثابت است و ازناحیه خدا وطریق قرآن به جامعه میرسد. بنابراین اگر ۱۰۰۰ سال یک جامعه اسلامی ازعملی پیروی کند که آن عمل خلاف شرع باشد آن عمل نامشروع شناخته میشود مستند این قول آیات قرآن ازجمله آیه هفتم سوره حشر و آیه هفتم سوره نسا و آیات ۲۱ و ۳۳ سوره احزاب و ۱۹۹ سوره اعراف است.

نتیجه تطبیقی با بیانیه

بنابراین جمهوری اسلامی ازابتدا فاقد مشروعیت بوده است؛ ونمیتوان گفت که جمهوری اسلامی امروز مشروعیت ندارد؛ و اگر کسانی که جریان برقراری حاکمیت غاصب جمهوری اسلامی را روالی در مسیر مشروعیت بدانند (مانند اعلیحضرت) نمیتوانند کمبود ها وکاستی ها حتی درحد نهائی که درجمهوری اسلامی وجوددارد ویا موانعی مانند شورای نگهبان و دستگاههای موازی آنرا موجبات عدم مشروعیت جمهوری اسلامی بدانند وراه قانونی آنها که بوسیله قانون متمایزشده این است که درانتخابات شرکت کرده وبا احترام به تصمیمات شورای نگهبان والتزام به ولایت فقیه ازطریق مجلس به اصلاح امور بپردازند.^۱

بنابراین، تحریم انتخابات حق کسانی است که اساساً قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی نیستند ودرک آنها هم برسبیل اعتقاد به تداوم حقانیت نظام سلطنت مشروطه ایران باشد، نه اینکه همفکر اعلیحضرت یک مدتی قائل به مشروعیت تداوم سلطنت وقانون اساسی مشروطیت وتصدی سلطنت خودشان باشند و در صیاحی دیگر مشروعیت خودشان ونظام سلطنتی را ضایع ودرپناه مشروعیت جمهوری اسلامی بیانات واقدام بفرمایند.

تحریم انتخابات در بیانیه

بیانیه پرهیز از شرکت در هرگونه انتخابات جمهوری اسلامی را توصیه کرده و آنرا حرکتی برای نه گفتن به جمهوری اسلامی دانسته است؛ مبارک بیانیه باشد، خاصه که شرط دادن تعرفه رای به سفارتخانه ها در این بیانیه برخلاف بیانیه انتخابات ریاست جمهوری شیخ حسن نیست.

تحریم بطور کلی و خاصه در مورد تحریم انتخابات در مفهوم اجرایی نوعی حکم تلقی میشود ونیاز به ارکانی دارد که بتواند در جامعه حرکت کند.

^۱ - بنا به این تعریف هرکس که «انقلاب» را میپذیرد و در سخنان خود ونوشته خود «پیش از انقلاب» و «پس از انقلاب» را ملاک تاریخی قرار میدهد در راستای پذیرش مشروعیت جمهوری اسلامی است و نمی تواند به قانون ویا انتخابات رژیم غاصب اسلامی اعتراض کند/ ح-ک

نخستین رکن، احراز وجود صلاحیت تحریم کننده است یعنی تحریم کننده موقعیت و صلاحیت ملی و یا دینی و مذهبی داشته باشد تا فرمان تحریم برای مردم تاحدودی لازم الاجرا باشد (نمونه های تاریخی تحریم قبل و بعد از مشروطیت و دوران حاکمیت غاصبانه جمهوری اسلامی موید مطلب است).

در تحریم هائی که ارتباط با امور سیاسی دارد مانند تحریم انتخابات، شخصیت و محبوبیت کافی نیست مقام و قدرت اجرا هم لازم است آنها هم مقام و قدرتی که آشنای فرهنگ مردم باشد.

رکن دیگر، اینکه تحریم همانند حکم باید ضمانت اجرا داشته باشد در تحریم هائی که از ناحیه رهبران مذهبی صادر میشود حکم ضمانت اجرای آن مستتر در تحریم (فتواست) مانند تحریم مداوای افراد وابسته به نیروهای مسلح شاهنشاهی از سوی اطبا و داروخانه ها در مشهد که بوسیله همین سید علی خامنه ای قرانت و به اجرا درآمد - نمونه دیگر فتوای خمینی در شرکت در همه پرسی سال ۵۸ که تحریم شرکت در همه پرسی را ارتداد نامید.

موقعیت تحریم انتخابات از سوی اعلیحضرت

تحریم انتخابات در بیانیه اعلیحضرت فاقد ارکان لازم برای به حرکت افتادن در مسیر قبول مردم است؛

زیرا:

★ فرمان تحریم از ناحیه کسی است که خود را رئیس شورائی مینامند که خود آن شورا بطور اعم در فرهنگ سیاسی ایرانیان محلی از اعراب ندارد و باتوجه به فرهنگ ایرانی که فرمان را منتسب به مقام سلطنت و دولت میداند (چه فرمان یزدان چه فرمان شاه) نمیتوان انتظار گرایش و قبول عمومی را نسبت به درخواست تحریم بیانیه داشت.

حاشیه = از مصاحبه خانم امانی با نازیلا گلستان تحصیل مطلب شد که تحریم بیانیه یک امر شخصی رئیس شورا است نه تصمیم شورای تجزیه طلبان (پایان حاشیه).

★ عامل دیگری ثباتی در عقیده تحریم کننده است که بطور طبیعی مردم را در مسئله تحریم انتخابات به تامل و نا باوری میکشاند و این مانع استواری است که از بیانیه تحریم استقبال عمومی بشود.

★ نبود ضمانت اجرای در تحریم بیانیه. گرچه بیانیه تصویر اجرایی هم برای تحریم تعیین کرده و آن نشان دادن به جهانیان است که رای نه ما به کلیت نظام است؛ ولی این تصریح به معنای ضمانت اجرای تحریم نیست بلکه نتیجه احتمالی تحریم است.

ضمانت اجرای تحریم به این معناست کسانی که از تحریم انتخابات تبعیث نکنند، در آینده از حمایت دولت نصیبی ندارند بنابراین ضمانت اجرای تحریم یا مذهبی است و یا سیاسی و مورد سیاسی آن فقط ناشی از تحریم دولت حاکم و یا دولت موقتی است که خود را جایگزین مشروع و قانونی دولت حاکم میدانند.

تنهادر این حالت است که مردم به اعتبارحتی احتمال روی کار آمدن دولت موقت اپوزیسیون تحریم هارا تبعیت میکنند و این مورد حساس فقط از ناحیه دولت موقت اعلیحضرت به حکم قانون اساسی مشروطیت ممکن بود و نه به اعتبارگروها و سازمان ها و شوراها و امثال آنها

یقین است که **اگر** اعلیحضرت در موقعیت قانونی و مشروعیت سلطنت قرار میداشتند و به حکم تکلیف قانونی دولت موقت و ارکان لازم را تدارک میدیدند تحریم انتخابات ضربه بسیار هولناکی به جمهوری اسلامی وارد میساخت زیرا فرهنگ مردم ایران گوش بفرمان دولت شاه است.

سابقه عمل

در جوامع سیاسی (غیر مذهبی) سابقه شخصیت ها در صدور فرمان تحریم و یا حمایت بسیار مهم است.

یعنی کسی که در جریان رویدادهای سخت و بحرانی با اتخاذ تصمیم های مناسب گره گشا بوده است معمولاً پنجره بازی برای استقبال مردم از فرامین و هدایت های او وجود خواهد داشت.

صادرکننده بیانیه مزبور رئیس شورای تجزیه طلبان بکلی از این موقعیت خالی است و بنابراین خودشان هیچ کاری برای نجات کشور و مردم نکرده اند که لااقل فرمان تحریم انتخاباتشان در مقام قیاس قرار گیرد.

علاوه بر آن ایشان با تشویق و ترغیب و تحریک اقلیت ها به تجزیه کشور و اظهارات نادرست درباره استقلال و فدراتیو کردن کشور در موقعیتی خود را قراردادده اند که تبعیت از فرمان تحریم انتخابات را از حرکت عمومی باز میدارد و این تبادرذهنی را برای مردم بوجود میآورد که تمکین از فرمان تحریم انتخابات نوعی هماهنگی با تجزیه کشور هم خواهد بود.